

متن پرسش

با سلام خدمت استاد عزیز در کتاب "از برهان تا عرفان" صفحه ۳۹ مرقوم فرموده اید: "پذیرفتن چیزی که نه محسوس است و نه معقول، یک نحوه خرافه گرایی است." آیا مثلاً در گذشته که به دست آوردن انرژی هسته ای نه محسوس بوده و نه معقول یک نحوه خرافه گرایی بوده؟ یا مثال های زیاد دیگری از این دست. و آیا جمله ی به کار رفته در کتاب نیاز به اصلاح دارد یا نه؟ البته می دانم منظور این جمله خرافاتی از قبیل غول و شانس و... می باشد ولی ظاهر جمله کلیت دارد.

متن پاسخ

باسمه تعالی، سلام علیکم: وقتی گفته می شود فلان چیز معقول نیست یعنی عقل به وجود آن اذعان ندارد، موضوع انرژی هسته ای به عنوان یکی از نیازهای زندگی از موضوع بحث خارج است چون در فلسفه از موجود بما هو موجود بحث می کند و نیازهای زندگی مربوط به نسبتی است که ما با اشیاء پیدا می کنیم و از اعتباریات است که موضوع فلسفه قرار نمی گیرد. عین وجود از آن جهت که عین وجود است با تجلیات خود مخلوقات ایجاد را ایجاد می کند ولی در موطن عالم ماده که برای پدید آمدن موجودات شرایط زمانی و مکانی مخصوص نیاز است خداوند برای ایجاد آن موجودات ابتدا شرایط آن موجودات را فراهم می کند و به اصطلاح سبب را ایجاد می کند تا سبب ایجاد شود. در این مورد خوب است به کتاب عدل الهی شهید مطهری «رحمة الله علیه» رجوع فرمایید. موفق باشید